

به عنوان یک ضرورت راهبردی عنوان شد:

پناهیان: امروز بیشتر دوران مواجهه با نفاق است تا کفر/ ضعف جامعه اسلامی در برابر کفار همیشه ناشی از نفوذ و قدرت نفاق بوده/ نفاق در قرآن جایگاهی خطرناک تر از کفر دارد/ طبق آخرین فرمایش‌های امام(ره) باید مراقب تفکر حجتیه‌ای‌ها، یعنی نفی حکومت اسلامی و اسلام سیاسی بود

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در مراسمی که در دانشکده الهیات دانشگاه تهران در ایام سالگرد ترور استاد شهید مطهری توسط منافقین گروه فرقان برگزار شده بود سخنرانی کرد. فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

امروز بیشتر دوران مواجهه با نفاق است تا کفر/ دانشکده الهیات و حوزه باید در حال تولید ساز و کارهای برخورد فکری با نفاق باشند، نه برخورد با کفر

- مؤمنان همیشه با دو گروه درگیر هستند؛ یکی گروه کافران و دیگری گروه منافقان. این دسته‌بندی، در قرآن کریم بیان شده است و یک تعبیر ذوقی نیست که بشود از کنار آن گذشت. (یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ؛ توبه/۷۳ و تحریم/۹ - یا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ* وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ دَعَّ أَدَاهُمْ؛ احزاب/۱ و ۴۸)

- در تاریخ اسلام درگیری با کافران مدت زمان اندکی طول کشید. درگیری مؤمنان با کافران به تعبیری ۱۳ سال (و یا حداکثر ۲۳ سال) بیشتر ادامه نداشت. یعنی درگیری با کافران تقریباً در طول دو دهه از آغاز اسلام، به سرانجام رسید و تمدن اسلامی بنیان‌گذاری شد. منتها اینکه این تمدن هنوز خودش را در اوج شکوفایی ظاهر نکرده است و «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/۳۳) تحقق پیدا نکرده است، به‌خاطر درگیری ۱۴۰۰ ساله مؤمنان و منافقان است و ضرباتی که از جانب منافقان متحمل شده است.
- ما الان بیشتر در دوران درگیری با نفاق به سر می‌بریم. دانشکده‌ای به نام دانشکده الهیات یا حوزه‌های علمیه که مأموریت دینی و معنوی و معرفتی به عهده دارند، علی‌القاعده باید در حال تولید و تامل در ساز و کارهای برخورد فکری با نفاق باشند، اما وقتی انسان به این مراکز علمی نزدیک می‌شود با کمال تعجب می‌بیند که بیشترین مباحثات علمی در حوزه‌های علوم اسلامی در دانشگاه و حوزه، درگیری فکری با کافران است! یعنی ما در حالی هنوز درگیر اثبات وجود خدا برای کافران و ملحدان هستیم و می‌خواهیم از ارزش اصل دیانت و حقانیت ایمان صحبت کنیم، که بیشتر در دوران مواجهه با نفاق به سر می‌بریم، تا مواجهه با کفر.

۱۴۰۰ سال است که اسلام در جریان درگیری با «نفاق» متوقف شده نه درگیری با کفر/ رشد اسلام در گرو

پیروزی ما در درگیری با نفاق است/ نفاق در قرآن جایگاهی خطرناک تر از کفر دارد

- جبهه اسلام ۱۴۰۰ سال است که با نفاق مواجه است، ولی ما نیروها و مهمات نظری خود را در جبهه‌ای که تقریباً نبرد چندانی وجود ندارد- یعنی جبهه مبارزه با کفر- قرار می‌دهیم! ۱۴۰۰ سال است که اسلام در جریان درگیری با نفاق متوقف شده است نه در جریان درگیری با کفر. رشد اسلام تا تحقق یافتن «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/۳۳) در گرو پیروزی ما در درگیری با نفاق است.
- نفاق هم جلوه‌های مختلفی دارد که باید به خوبی شناخته شود در حالیکه کفر واقعاً در برابر دین حرفی برای گفتن ندارد؛ این نفاق است که ذهنها را خراب میکند و موجب انواع تحریفات در دین می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) مبانی چنین نگاهی را به خوبی و با تفصیل در خطبه قاصعه نهج البلاغه تبیین کرده است.

- نفاق در قرآن کریم هم جایگاهی خطرناک‌تر از کفر دارد. به حدی که خداوند در سوره منافقین به رسول خدا(ص) درباره منافقین می‌فرماید: «أَنهَا دُشْمَانٌ وَاقِعِي أَنْد، از ایشان بر حذر باش، خدا آنها را بکشد چقدر منحرفند؛ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤَفَّكُونَ» (منافقون/۴) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل همین آیه می‌فرماید: **«بدترین دشمن انسان آن کسی است که واقعاً دشمن باشد، و آدمی او را دوست خود بپندارد.»** همچنین قرآن کریم در جای دیگری می‌فرماید: «بی‌تردید منافقان در پایین‌ترین طبقه از آتش‌اند؛ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (نساء/۱۴۵) ولی ما غالباً از این دشمن خطرناک غافل هستیم و خودمان را درگیر مباحث کلامی و دیگر مباحث علمی در مواجهه با اهل کفر می‌دانیم و از نظر منطق و عقلانیت، پیروزی خودمان را بر اهل کفر جشن می‌گیریم! در حالی که میدان مبارزه با نفاق را به خوبی نشناخته‌ایم.
- البته پرداختن به موضوع کفر و مواجهه با آن فی نفسه خوب و لازم است، ولی اگر در مقام ضرورت و اولویت نگاه کنید واقعاً می‌بینید که ۱۴۰۰ سال است که اصل درگیری و مبارزه، بین ایمان و نفاق است. انگار ظهور حضرت برای یک پیروزی راهبردی رقم خواهد خورد و آن «تُذَلُّ بِهَا النَّفَاقُ وَ أَهْلُهُ» (کافی/۳/۴۲۴) خواهد بود، یعنی امام زمان(ع) نفاق را ذلیل خواهد کرد.

امروز جبهه کفر پشت جبهه نفاق پنهان شده و مبارزه می‌کند/ در شناسایی جبهه نفاق ضعیف

هستیم/ عمده آموزش‌ها و تبلیغات دینی ما معطوف به مواجهه با «کفر» و «معصیت» است و مواجهه با

«نفاق» مغفول مانده

- شما دیدید که شهدای دفاع مقدس ما در جریان درگیری با جبهه کفر چقدر پیروزمندانه ظاهر شدند و عزت آفریدند و کار را تمام کردند به حدی که دیگر دشمن جرات نمی‌کند به ما حمله کند. و امروز واقعاً درگیری ما در مقابل جبهه کفر، به صورت مستقیم نیست، آنها همه پشت سر نفاق پنهان شده‌اند. یک دانشجو باید نفاق را بشناسد. و طلبه‌ای عالم به زمانش است که در درگیری با نفاق دانش لازم را داشته باشد.
- ما در شناسایی جبهه نفاق ضعیف هستیم. بخش‌های عمده‌ای از آموزش‌ها و تبلیغات دینی‌مان معطوف به مواجهه با کافران و جبهه کفر است و بخش دیگری از آموزه‌های دینی‌مان معطوف به مواجهه با معصیت است و در این میان، مواجهه با نفاق مغفول مانده است.
- اینکه هنوز اسلام بر همه ادیان عالم پیروز نشده است، به خاطر این نیست که پشت درهای بسته فسق و عصبان متوقف شده باشد، بلکه پشت درهای بسته قلعه مستحکم نفاق گیر افتاده است.

مسأله اصلی جامعه ما و جهان امروز، مسأله نفاق است/ اولویت امروز ما راه انداختن جریان‌های امر به

معروفی و نهی از منکری، علیه نفاق است

- برخی از دوستان می‌گفتند که راجع به امر به معروف بحث کنید. امروز اگر ما بخواهیم درباره امر به معروف و نهی از منکر بحث کنیم، اولویت در امر به معروف و نهی از منکر با کدام موضوع است؟ آیا علیه معصیت و فسق و فجور باید نهی از منکر کنیم یا علیه نفاق؟ اولویت امروز ما راه انداختن جریان‌های امر به معروفی و نهی از منکری، علیه نفاق است. که این نیاز به کار بسیار سنگین‌تری دارد.
- جریان‌های نفاق جلوه‌های مختلفی دارند. خداوند متعال در قرآن کریم خیلی درباره این جلوه‌های نفاق صحبت فرموده است. در قرآن کریم خداوند درباره نفاق خیلی بیشتر از گناه و معصیت صحبت فرموده‌اند. البته واضح است که بزرگ‌ترین گناهکاران و فاسقان همان منافقین هستند. (إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ توبه/۶۷) امروز چالش اصلی مسلمان و مؤمن شدن نیست، آن چیزی که

مانع رشد جامعه اسلامی و رسیدن اندیشه‌های ناب اسلامی به جهان بشریت شده، مسأله نفاق است. مسأله اصلی جامعه ما و جهان امروز، مسأله نفاق است. ریشه اصلی تمام موانع رشد جامعه مؤمنین، نفاق است.

• یک زمانی با انواع بحث‌های پلورالیستی و معرفت‌شناسی در حوزه دین و ایجاد شبهات مختلف، می‌خواستند پذیرش انواع جلوه‌های نفاق را تئوریزه کنند و لباس دانش بر اندام انواع جلوه‌های نفاق کنند. و می‌گفتند: «بالاخره نظرات مختلف است!» در حالی که در مسائل اصلی نظرات مختلف نیست. حضرت امام(ره) می‌فرماید: «اگر تمام پیامبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند، هرگز با هم دویت و اختلاف نخواهند داشت» (جهاد اکبر/ ۳۰) البته منظورمان از اختلاف، آن اختلافات جزئی که در بین علماء وجود دارد و هیچ‌وقت صدمه نمی‌زند بلکه موجب رشد می‌شود، نیست. منظورمان آن دیدگاه‌هایی است که یک‌دفعه‌ای مطرح می‌کنند و مثلاً می‌گویند: «ما اصلاً اسلام سیاسی را قبول نداریم!» این اختلاف نظرات است که خیلی مشکل ایجاد می‌کند. باید در قرآن و احادیث ببینید که اسم این‌ها را «نفاق» می‌گذارند. بروید ببینید که مصادیق نفاق و منافق، در قرآن و احادیث چه کسانی هستند.

طبق آخرین فرمایش‌های امام(ره) باید مراقب تفکر حجتیه‌ای‌ها، یعنی نفی حکومت اسلامی و اسلام

سیاسی بود/رگه‌هایی از آن طرز تفکر را در دولت‌های مختلف می‌توان دید

• امروز یک طلبه، یک دانشجوی الهیات و یک پژوهشگر معارف دینی اگر بخواهد در حوزه علوم و معارف دینی تلاشی عالمانه انجام دهد باید این تلاش در جهت شناساندن هرچه بیشتر انواع جلوه‌های نفاق باشد. این نفاقی که ۱۴۰۰ سال است پشت سر آن گیر کرده‌ایم و هنوز خط نفاق شکسته نشده است. البته بعد از انقلاب پیشروی ما در این جبهه خوب بوده و جلو رفته‌ایم، ولی **حضرت امام(ره) در سال‌های آخر عمر شریف‌شان یک جمله‌ای خطاب به اعضای شورای نگهبان دارند که می‌فرمایند: «حواستان را جمع کنید که نکند یک‌مرتبه متوجه شوید که انجمن حجتیه‌ای‌ها همه چیزتان را نابود کرده‌اند» (صحیفه امام/ ج ۲۱/ ص ۶۱۲)**

• مسلماً امام(ره) می‌دانستند که انجمن حجتیه، یک سازمان قوی نیست که بتواند همه‌جا را بگیرد، بلکه امام(ره) به عنوان یک طرز تلقی دینی که حکومت اسلامی و اسلام سیاسی را نفی می‌کند، از این عبارت «انجمن حجتیه» استفاده کرده‌اند. جالب این‌جاست که وقتی دقت می‌کنید، رگه‌هایی از آن طرز تفکر حجتیه‌ای را در دولت‌های مختلف می‌توانید ببینید. نیازی هم نیست که حتماً آرم انجمن حجتیه داشته باشد.

• ما در درگیری با جبهه کفر معمولاً با عزت و افتخار شهید می‌دهیم و کارمان از جهت مشخص بودن مرزها خیلی آسان‌تر است ولی در درگیری با نفاق این‌گونه نخواهد بود و کار سخت است؛ چون جریان نفاق، اهل نیرنگ‌بازی است. مثلاً در تاریخ حیات مظلومانه امامان در دوره بنی عباس، می‌بینید همان کسانی که عامل شهادت و مظلومیت معصومین(ع) بودند، همان‌ها به دنبال بزرگداشت و تشییع جنازه آنها هم بودند.

• در این میان، اباعبدالله الحسین(ع) توانست جبهه نفاق را بشکند. حماسه کربلا از جمله به این دلیل یک حماسه ماندگار در تاریخ شد، که ماجرا به‌گونه‌ای رقم خورد که آنها نتوانستند بدن امام حسین(ع) را با احترام به خاک بسپارند و اهل بیت ایشان را با احترام به مدینه برگردانند (بلکه اسیر کردند و در بیابان‌ها و شهرها چرخاندند). اگر این کار را کرده بودند، یقیناً دیگر چیزی از کربلا باقی نمانده بود. آن‌قدر مظلومیت اباعبدالله(ع) شدید شد که دیگر جریان نفاق نتوانست نفاق خودش را بر حماسه کربلا مسلط کند و این مظلومیت را بپوشاند.

از این پس جلوه‌های بیشتری از نفاق را خواهیم دید

- جریان نفاق بسیار پیچیده است و جلوه‌های متعدد و متنوعی دارد. در داخل جامعه خودمان از ابتدای انقلاب تاکنون جلوه‌های متعدد و متنوعی از نفاق را دیده‌ایم و از این پس هم جلوه‌های بیشتری از آن را خواهیم دید.
- امروز در منطقه می‌بینید که آمریکایی‌ها و اسرائیلیها وقتی نتوانستند با سربازان خودشان در منطقه پیروز شوند، جلوه‌های از جلوه‌های نفاق را در مقابل مسلمان‌ها عَلم کردند؛ تکفیریه‌ها یکی از همین جلوه‌های نفاق است. البته این جلوه‌ها انواع و اقسام دارند و در همه مذاهب اسلامی هم هستند. باید اینها را دید و شناسایی کرد؛ مسأله امروز ما این است.

امروز دوران جلوگیری از معنویت‌های کاذب و مذاهب منحرف است

- طبیعتاً بعد از شهادت شهید مفتاح، مسأله اصلی دانشکده الهیات باید این باشد که پدیده‌ای را که رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران را به شهادت رسانده، به خوبی بشناسد. آیا امروز جریان فرقان شناسایی و تمام شده و مسأله‌اش حل شده است؟! در حالی که امروز دیدگاه‌های مشابه گروهک فرقان را می‌توان در برخی از جریان‌های فکری و سیاسی پیدا کرد. دانشجویان دانشکده الهیات باید شناسایی انواع نفاق و راهکارهای مقابله با آن را پروژه اصلی خود بدانند. آیا شما هنوز می‌خواهید در ایستگاه اثبات خدا برای مردم متوقف شوید؟ امروز مردم دنیا بدون اینکه نیاز به دلیل و برهان چندانی داشته باشند، خودشان به دنبال معنویت هستند. امروز دوران جلوگیری از معنویت‌های کاذب است. دوران جلوگیری از دین‌های دروغین است. دوران جلوگیری از انواع مذاهب منحرف است. اینها باید فهرست بشوند، شما دانشجویان به کمک اساتید باید بیابید و انواع جلوه‌های نفاق را به همه نشان دهید.

شناخت منافقین صدر اسلام به شناسایی منافقین امروز کمک می‌کند/ یکی از منافقینی که باید به خوبی

شناخته شوند، ابن ملجم مرادی است

- یکی از کارهایی که باید برای شناسایی پدیده نفاق و منافقین زمان خودمان انجام دهیم، بررسی داستان‌های مربوط به منافقین صدر اسلام و شناخت کامل آنها است. چون این منافقین در هر زمانی که باشند، بالاخره شباهت‌ها و نقاط اشتراک بسیاری دارند.
- یکی از منافقینی که باید به خوبی شناخته شوند، ابن ملجم مرادی است. امیرالمؤمنین(ع) بعد از اینکه به خلافت رسید، برای والی یمن نامه‌ای نوشت و او را در مقام خودش ابقاء فرمود و از او خواست که از مردم بیعت بگیرد و ده نفر از بهترین مؤمنین یمن را انتخاب کند و برای یاری حضرت بفرستد. (و أَنْفِذْ إِلَىٰ مِنْهُمْ عَشْرَةَ يَكُونُونَ مِنْ عَقَلَائِهِمْ وَفُصْحَائِهِمْ وَتِقَاتِهِمْ، مِمَّنْ يَكُونُ أَشَدَّهُمْ عَوْنًا مِنْ أَهْلِ الْفَهْمِ وَالشَّجَاعَةِ، عَارِفِينَ بِاللَّهِ، عَالِمِينَ بِأَدْيَانِهِمْ، ...؛ مکاتیب الأئمة ۶۵/۱) اهل یمن برای اینکه ده نفر از بهترین‌های خود را انتخاب کنند، ابتدا از بین خودشان صد نفر را انتخاب کردند، و آن صد نفر از بین خودشان هفتاد نفر، و آنها سی نفر، و آن سی نفر هم از بین خودشان ده نفر را انتخاب کردند. که از نظر برخی معتقدین به دموکراسی این بهترین شیوه دموکراسی برای انتخاب افراد است. بعد آن ده نفر به محضر امیرالمؤمنین(ع) رفتند. (...فَاخْتَارَ مِنْهُمْ مِائَةً ثُمَّ مِنَ الْمِائَةِ سَبْعِينَ ثُمَّ مِنَ السَّبْعِينَ ثَلَاثِينَ ثُمَّ مِنَ الثَّلَاثِينَ عَشْرَةً فِيهِمْ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُلْجَمٍ الْمُرَادِيُّ لَعَنَهُ اللَّهُ ...؛ بحار الانوار/ج ۴۲/ص ۲۶۰)
- از بین آن ده نفر، یک نفر برخاست و بیانیۀ اظهار ارادت و اعتقاد خودش را نسبت به امیرالمؤمنین(ع) با کلمات و جملات زیبایی، ابراز کرد. حضرت کلام او را تحسین کرد و از او پرسید: جوان، اسم تو چیست؟ گفت: اسم من عبدالرحمان است. حضرت پرسید: فرزند چه کسی هستی؟ گفت: من ابن ملجم مرادی هستم. حضرت وقتی این را شنید، چندبار دستش را روی دست دیگرش زد و

با ناراحتی فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون» یعنی برای ابن ملجم ناراحت شد. بعد فرمود: تو همان کسی هستی که مرا خواهد کشت... (فَاسْتَحْسَنَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ كَلَامَهُ مِنْ بَيْنِ الْوَفْدِ فَقَالَ لَهُ مَا اسْمُكَ يَا غُلَامُ قَالَ اسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ ... ؛ همان منبع)

باید کرسی ابن ملجم شناسی در دانشکده الهیات برقرار شود / جریان پیچیده نفاق باید به طور دقیق شناسایی شود

- ببینید؛ در کل عالم هستی فقط یک امیرالمؤمنین(ع) داریم و قاعدتاً شناسایی شخصیت قاتل ایشان، خیلی اهمیت دارد. باید کرسی ابن ملجم شناسی در این دانشکده الهیات باشد؛ شما باید جریان پیچیده نفاق را به طور دقیق شناسایی کنید و به همه یاد بدهید. ابن ملجم واقعاً شخصیت پیچیده‌ای دارد، و شناختن نفاق و کفر پنهان او خیلی مهم است. حتی در برخی کتاب‌های تاریخی ذکر شده که ابن ملجم جزء خوارج نهروان نبود و حتی در جنگ نهروان پای رکاب امیرالمؤمنین(ع) با خوارج جنگیده بود. (أَقَامَ ابْنُ مُلْجَمٍ بِالْكُوفَةِ إِلَى أَنْ خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِلَى غَزَاةِ النَّهْرَوَانَ فَخَرَجَ ابْنُ مُلْجَمٍ مَعَهُ وَ قَاتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ قِتَالًا شَدِيدًا؛ مفتاح السعادة، محمد تقی قاینی ۳۱۳/۷-بحار الانوار/۴۲/۲۶۳) نباید این قدر سطحی نگر باشیم و بگوییم که یک دختری دل ابن ملجم را برده بود و او صرفاً به همین دلیل امیرالمؤمنین(ع) را به شهادت رساند! اصلاً این هوس آن قدر ظرفیت ندارد که بخواهد قاتل امیرالمؤمنین(ع) درست کند؛ بالاخره امیرالمؤمنین(ع) دل خیلی از انسان‌های گناهکار را برده است. ضمن اینکه ابن ملجم قبل از مطرح شدن چنین ماجرابی، عهد کرده بود که امیرالمؤمنین(ع) را به قتل برساند.

- انسان وقتی داستان ابن ملجم را می‌شنود، از ایمان خودش می‌ترسد و می‌فهمد که چرا بزرگان ما این قدر نگران عاقبت به‌خیری خودشان بودند. ایمان مثل قبالة عقدنامه یا ملکیت زمین نیست که انسان یک‌بار آن را بگیرد و کنار بگذارد. از بابت آن مطمئن باشد. چون ایمان مستقر و ایمان مستودع داریم. (امیرالمؤمنین(ع): فَمِنْ الْإِيمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مُسْتَقِرًّا فِي الْقُلُوبِ، وَ مِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِيَّ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ الصُّدُورِ، إِلَى أَجْلِ مَعْلُومٍ؛ نهج البلاغه/خطبه ۱۸۹)

۹۹ درصد از ۱۴۰۰ سال پس از ظهور اسلام، صرف درگیری با نفاق شده است/ضعف ما در برابر کفار ناشی از نفوذ و قدرت نفاق در جامعه اسلامی بوده

- اگر ۲۳ سال زمان بنیان‌گذاری اسلام را که مؤمنین با کفر درگیر بودند را با ۱۴۰۰ سال بعد از آن که جامعه اسلامی با نفاق درگیر است را مقایسه کنیم، حدود ۱٫۵ درصد می‌شود. یعنی حدود ۹۹ درصد از ۱۴۰۰ سال بعد از ظهور اسلام، صرف درگیری با نفاق شده است!

- البته ما هنوز هم درگیر با کفر هستیم و در طول تاریخ هم اینچنین رویارویی‌هایی چه در عرصه جنگ نرم و چه در عرصه جنگ سخت وجود داشته است، ولی هرگونه ضعف ما در برابر کفار ناشی از نفوذ نفاق و قدرت داشتن انواع منافقان در جامعه اسلامی بوده است.

- آیا می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آموزشی پیشنهاد داد که همین مقدار به شناخت نفاق اهتمام بورزند؟ در حالیکه ما بیش از شناخت انواع جریانهای نفاق به بررسی انواع شبهات در راه اثبات صانع و اصل حقانیت دین می‌پردازیم.

